

کمپین یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز و سوالاتی که پاسخ می‌طلبند

پروین نیک‌آنین

به نقل از کار شماره ۴۹۲ – نیمه اول دی ۱۳۸۵

اولین نشست سراسری کمپین جمع‌آوری "یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز" روز ۲۳ آذر برگزارشد. بنا بر گزارشی که از این اجلاس در سایت کمپین (تغییر برای برابری) منتشر شده است، در این نشست فعالان و نمایندگان کمپین از تهران، کرمانشاه، گرگان، زنجان، مشهد، کرج، تبریز و همدان گردآمده بودند تا پیشرفت کمپین، و نقاط قوت و ضعف آن را بررسی کنند.

کمپین "یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز" ادامه تلاش‌های فعالان جنبش زنان و فعالان حقوق بشر است که ۲۲ خرداد دو سال پیش تجمعی در مقابل دانشگاه تهران برگزار کردند. در بیانیه پایانی این تجمع، به ضرورت لغو قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان اشاره شده بود. اجتماع ۸ مارس و سپس ۲۲ خرداد امسال، تداوم گردهمایی ۲۲ خرداد ۱۳۸۴ بود که طی آن شرکت‌کنندگان مجدها خواستار تغییر قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان شدند. این اجتماع اخیر مورد حمله نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی قرار گرفت و به دستگیری حدود ۷۰ تن از شرکت‌کنندگان انجامید. چنانچه از نوشته‌ها و مصاحبه‌های دست‌اندکاران کمپین مستفاد می‌شود، به دنبال این مساله، فعالان زنان تصمیم گرفتند راه دیگری برای ادامه فعالیت‌شان بیابند. نتیجه، کمپین "یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز" است. بیانیه اولیه کمپین با امضای ۶۰ تن از فعالان مدافع حقوق بشر و جنبش زنان منتشر شد و روز ۵ شهریور سازمان‌دهندگان این کمپین قصد داشتند با برگزاری یک نشست، آغاز کار کمپین را به طور رسمی اعلام کنند. جمهوری اسلامی مانع برگزاری این نشست شد. بنابر این، سازمان‌دهندگان پشت درهای بسته سالنی که قرار بود تولد رسمی کمپین را اعلام کنند، بیانیه کمپین را قراحت کردند و به این ترتیب کار کمپین آغاز شد. سازمان‌دهندگان و فعالان این کمپین، مصمماند تا جمع‌آوری یک میلیون امضا به حرکت خود ادامه دهنند. امضاهای جمع‌آوری شده در اختیار مجلس و مقامات جمهوری اسلامی قرار خواهند گرفت تا آن‌ها نسبت به تغییر قوانین تبعیض‌آمیز اقدام کنند. فعالان و سازمان‌دهندگان کمپین جزوی تهیه کرده‌اند که در مراجعه به افراد برای جمع‌آوری امضا در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند. این جزوات شامل اطلاعاتی راجع به کمپین و اطلاعات حقوقی راجع به قوانین مربوط به زنان هستند.

کمپین "یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز" چه می‌خواهد؟

در بیانیه کمپین به برخی قوانین تبعیض‌آمیز در رابطه با زنان، از جمله مساله دیه، حق سرپرستی فرزندان توسط مادر، شهادت، و چند همسری برای مردان اشاره شده و در پایان متن آمده است:

"از سوی دیگر، دولت ایران به میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر ملحق و متعهد به اجرای مقررات آنان شده است. مهمترین ضابطه در حقوق بشر عدم تبعیض بر مبنای جنس، قوم، مذهب و... است. بنابر مبانی فوق ما امضاء‌کنندگان این بیانیه خواستار رفع تبعیض از زنان در کلیه قوانین بوده و از قانون‌گذاران می‌خواهیم که نسبت به بازنگری و اصلاح قوانین بر اساس تعهدات بین‌المللی دولت اقدام نمایند." (۱)

در توضیح کلیات طرح جمع‌آوری یک میلیون امضا، راجع به علل انتخاب این شکل از فعالیت و شیوه‌های کار کمپین توضیح داده شده و از جمله گفته شده است که "جمع‌آوری یک میلیون امضا، تنها یکی از اهداف محوری این کمپین است"، اهداف دیگر آن "آشنایی و گفت و گوی رو در رو با گروه‌های مختلف زنان و شهروندان در سطح گسترده"، "اعتقاد به رشد آگاهی، ایجاد گفتگو میان شهروندان و آموختن فعالیت‌های جمعی و دموکراتیک یعنی اصلاحات از پایین، از درون جامعه‌ی مدنی و نه از بالاست". و این که "اجرای موفق این کمپین نشان خواهد داد که خواسته‌ی برق تغییر قوانین تبعیض‌آمیز محدود به ۴ - ۵ هزار نفر از زنان نیست. بلکه این خواسته، خواسته‌ای کاملاً فراگیر است". (۲) بنده از بیانیه توضیح کلیات طرح نیز زیر عنوان "خواسته‌های این طرح ضدیتی با اسلام ندارد" فرموله شده است (۳). در این بند توضیح داده می‌شود که آنچه کمپین یک میلیون امضا در پی تحقق آن است، جزو اصول اولیه دین اسلام محسوب نمی‌شوند و تعدادی از آیت‌الله‌ها هم که نام برده شده‌اند، به این مساله اذعان دارند.

نوشته‌ها و مصاحبه‌های سازمان‌دهندگان و فعالان این کمپین، به ویژه نخستین امضاکنندگان بیانیه آن، جنبه‌های دیگری از چرائی اتخاذ این شیوه پی‌گیری دفاع از حقوق زنان را روشن‌تر می‌سازند. تمامی اظهار نظر کنندگان بر یک نکته

اتفاق نظر دارند و آن این که مهمترین نقطه قوت این شیوه، امکان همکاری تمام کسانی را که مدافعان حقوق زنان در ایران هستند، علیرغم تمام اختلافاتشان فراهم کرده است، این که این نحوه کار، مبارزه برای حقوق زنان را از محدوده گروه‌ها، ان-جی-او ها، و تشکل‌های کوچک فراتر بردé است، این که امکان تماس با توده زنان را فراهم کرده، این که به توده زنان آگاهی می‌دهد و سرانجام این که نشان می‌دهد مدافعان حقوق زنان خواستار براندازی نیستند و می‌خواهند به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز و با تأکید بر "اصلاحات از پایین، از درون جامعه‌ی مدنی و نه از بالا" مطالبات خود را متحقق کنند.

تا آن جا که به بیانیه و اهداف کمپین مربوط است، این اقدامی است در چهارچوب حکومت اسلامی. اگر چه ترکیب امضاکنندگان نخستین بیانیه و کسانی که در دفاع از کمپین سخن می‌گویند نشان می‌دهد که این کمپین علاوه بر طیف متنوعی از گرایشات مختلف موسوم به اصلاح‌طلب، فعالان سکولار و چپ مدافعان حقوق بشر و حقوق زنان را نیز در بر می‌گیرد، اما در بیانیه و در مطالباتی که کمپین برای تحقق آن‌ها تلاش می‌کند ردپایی از مطالباتی که اندکی با نفس تلفیق دین و دولت مرزبندی کند، نیست. اصل دولت مذهبی پذیرفته می‌شود، اما از حاکمان خواسته می‌شود اصول دین را از فروع آن تفکیک کنند. کمپین، خواستار نشاندن آیت‌الله‌های "خوب" که قادر به تفکیک اصول اولیه و ثانویه اسلام هستند، به جای آیت‌الله‌های "بد" می‌شود که همه چیز برایشان حکم اصول دین را دارد و حاضر نیستند اندکی انعطاف نشان دهند. بنابراین تصادفی نیست که این در بیانیه از برابری کامل حقوق زن و مرد صحبت نمی‌شود و بسیاری از مطالبات زنان که طرح آن‌ها به معنای نفی حکومت مذهبی است، مسکوت مانده‌اند. از جمله مواردی که بیانیه در مورد آن سکوت کرده است، می‌توان به مساله آزادی انتخاب پوشش، منع جداسازی جنسی و مساله حق زن بر جسم خویش، اشاره کرد. شکل طرح مساله حجاب اجباری در بیانیه به تنهایی گویا است. در جزو حقوقی که کمپین منتشر کرده است و "تأثیر قوانین بر زندگی زنان" عنوان دارد، مساله حجاب اجباری فقط برای زنان، پیروی مذهبی غیر از اسلام مذموم شمرده می‌شود (۴) با اصل حجاب اجباری برای زنانی که مسلمان زاده شده‌اند مخالفتی نیست!

برگزارکنندگان کمپین اصل را بربیاطلاعی دولتمردان حاکم می‌گذارند، می‌خواهند به آن‌ها نشان دهند که مخالفت با قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان، محدود به ۴ - ۵ هزار زن نیست، بلکه تعداد زیادی از زنان، که با اجرای این کمپین و جمع‌آوری امساها تعدادشان به یک میلیون نفر می‌رسد، خواهان تغییر قوانین تبعیض‌آمیز هستند.

برگزارکنندگان کمپین، اصل را بر این می‌گذارند که اگر بتوانند یک میلیون امضا جمع‌آوری کنند و در اختیار دولتمردان قرار دهند، آن‌ها مجاب می‌شوند که قوانین تبعیض‌آمیز را به نفع زنان تغییر دهند. برگزارکنندگان کمپین می‌گویند که خواهان "اصلاحات از پایین، از درون جامعه‌ی مدنی و نه از بالا" هستند، اما کمپین آن‌ها در صورتی به سرانجام موفقیت‌آمیز خواهد رسید که "بالا"‌ئی‌ها، اولاً مقاعد شوند که طرفداران تغییر قوانین تبعیض‌آمیز، بیش از ۴ - ۵ هزار نفرند، ثانیاً بفهمند که احکام اولیه و ثانویه اسلام را باید تفکیک کرد، ثالثاً قوانین را تغییر دهند و رابعاً ضمانت اجرای آن را فراهم کنند به نحوی که قوانین تازه تصویب شده هم به سرنوشت دهای قرارداد و کنوانسیون بین‌المللی که جمهوری اسلامی امضا کرده اما در عمل پیشیزی هم برای آن‌ها ارزش قائل نیست، دچار نشوند.

سخنی با فعالان سکولار کمپین

در اظهارنظر فعالان سکولار کمپین بر این نکته‌ها انگشت گذاشتند که این کمپین موقعیت مساعدی برای همگرائی مدافعان حقوق زنان ایجاد کرده است. مبارزه برای حقوق زنان را از محدوده تشکل‌های کوچک فراتر برد، امکان تماس با زنان را در سطح جامعه ایجاد می‌کند و مهمترین هدف آن ترویج آگاهی و آموزش زنان است.

این سوال مطرح می‌شود که همگرائی با که، برای چه، و به چه بهائی؟ نگاهی به بیانیه و اهداف کمپین کافی است تا روشن شود که "همگرائی" مدافعان سکولار حقوق زنان با اصلاح‌طلبان حکومت، در عمل به رفتن زیر چتر اصلاح‌طلبان و پذیرش کفی از مطالبات منجر شده است که برای مدافعان حکومت دینی با چهره‌ای متفاوت از احمدی‌ژزاد قابل قبول هستند. این دیگر همگرائی نیست. این حل شدن در جنبش اصلاح حکومت دینی است و بهائی که فعالان سکولار جنبش زنان برای این به اصلاح همگرائی می‌پردازند، بسیار بیش از دستاوردهای احتمالی آن خواهد بود. این "همگرائی" در شرایطی صورت می‌گیرد که اصلاح‌طلبان حکومت دینی در پی شکست تلاش‌های خاتمی برای آرایش چهره حکومت اسلامی، با بحران و از هم پاشیدگی روبرو هستند و بخش غالب کسانی که در سال‌های گذشته پایه‌های آن محسوب می‌شدند، از آن روى گردانند. کافی است فعالان سکولار طرح یک میلیون امضا نظری به جنبش دانشجویی بیاندازند که آرام آرام خود را از از بختک اصلاح‌طلبی دینی رها می‌کند. دانشجویانی که روزی مدافعان جریان بودند، یا به اجبار در تشکل‌های وابسته به این جریان باقی‌مانده بودند، این اعتماد به نفس را یافتند که خط خود را کاملاً از جریان اصلاح حکومت دینی جدا کنند و با زبان خود سخن بگویند. درست در چنین شرایطی، فعالان سکولار جنبش زنان به "همگرائی" با اصلاح‌طلبان حکومت روی‌آورده‌اند. بدیهی است فعالان جنبش زنان تلاش‌شان معطوف به این

باشد که مطالبات مورد نظر خویش را هرچه و سبیع‌تر به میان توده زنان ببرند، اما در این مورد گویا صرف رفتن به میان توده زنان به خودی خود به هدف تبدیل شده است و مهم نیست که برای چه؟

مسئله دوم فراتر رفتن از محدوده تشکل‌های کوچک، ان- جی- او ها و سازمان‌های کم اثر زنان است. در واقع فعالان سکولار جنبش زنان به دنبال راهی هستند که بر محدودیت فعالیت تشکل‌های کوچک زنان و بر بنیت فعالیت ان- جی- او ها فائق آیند. اما سوال این است که آیا کمپین جمع‌آوری یک میلیون امضا راه کار حل این معضل است؟ آیا در پیش گرفتن جمع‌آوری امضا آن هم به گواهی نوشته‌ها و مصاحبه‌های فعالان کمپین با توصل به ناگاهترین بخش زنان (زنان مذهبی)، مراجعته به مجامع مذهبی و روضه خوانی) آلترناتیو محدودیت فعالیت تشکل‌های است که اگر چه محدودند اما لاقل مشخص است که برای چه دور هم جمع شده‌اند؟ آیا می‌توان مشکلات عملی تشکل‌های محدود را با روی‌آوردن به بی‌تشکلی و شیوه‌های پوپولیستی پاسخ گفت؟

فعالان کمپین، به ویژه بخش سکولار آن، به کرات براین مسئله تاکید می‌کنند که هدف مهم آن‌ها آگاه ساختن زنان است. یک فعال کمپین که برای تبلیغ اهداف آن و جمع‌آوری امضا به زنان رجوع می‌کند، جزوات و مطالب رسمی آن را مورد استفاده قرار می‌دهد که در آن‌ها پایه‌ای ترین موارد تبعیض و بی‌حقوقی زنان مسکوت گذاشته شده، و این ایده را القا می‌کند که با وجود حکومت مذهبی فقط به شرط این که یک میلیون امضا جمع‌آوری شود، رفع تبعیض از زنان مقدور است. دوستان عزیز، این بردن آگاهی به میان زنان و توانمند کردن آن‌هاست یا توهی‌پراکنی نسبت به حکومت مذهبی؟! چگونه می‌توان این حقیقت را مسکوت گذاشت که شرط اولیه برابری آحاد جامعه در برابر قانون، کم کردن شر دین از سر دولت و نفی حکومت مذهبی است اما در عین حال مدعی بردن آگاهی به میان زنان بود؟ چگونه می‌توان زنان را متوجه ساخت که اگر دولتمردان بدانند که یک میلیون نفر مخالف قوانین موجود هستند، این قوانین را تغییر خواهند داد اما در عین حال مدعی بود که این کار آگاه‌گرانه است؟ آیا به نظر شما تصادفی است که این کمپین به گواهی فعالانش بیشتر، از طرف زنان ناگاه و مذهبی مورد استقبال قرار می‌گیرد(۵) که از قضا به سبب ناگاهی‌شان پایه‌های جریانات اصلاح طلب حکومت مذهبی هستند، تا زنان مدرن و تحصیل‌کرده، و زنان کارگر آگاه؟!

فعالان کمپین زنان به کرات بر مسالمت‌آمیز بودن و غیر سیاسی بودن کمپین تاکید می‌کنند. در این رابطه باید گفت درست است که جنبش زنان همانند هر جنبش اجتماعی دیگر ویژگی‌ها و قانونمندی‌های خود را دارد، اما همانگونه که سایر جنبش‌ها جزایر جدگانه‌ای نیستند، جنبش زنان نیز جزیره پرت و دور افتاده‌ای نیست که فعالان آن تصمیم بگیرند سیاسی یا غیر سیاسی باشند. به ویژه در ایران تحت حاکمیت اسلام، که از اندازه روسربی گرفته تا طول و رنگ روپوش اسلامی، دست دادن زنان با مردان، حق اظهار بیان و حتی حق نفس‌کشیدن همه از دید حاکمان معنای سیاسی دارند، چرا که حاکمیت اسلام را زیر سوال می‌برند، تلاش برای ایجاد ذره‌ای تغییر و در عین حال فریاد برآوردن که این حرکت سیاسی نیست، از سوی کسی و به ویژه از سوی حاکمان جدی گرفته نمی‌شود. مگر کارگران شرکت واحد که برای پی‌گیری مطالبات صنفی‌شان سندیکا تشکیل دادند، قصد براندازی داشتند که مدت‌هast در معرض سرکوب، دستگیری، اخراج و تحقیر و توہین قرار دارند؟ چه تعداد دانشجو تها به این جرم که برای کسب حقوق مسلمانان تلاش می‌کرند اخراج شده‌اند و یا دستگیر شده، مورد شکنجه واقع شده و در زندان به سرمی‌برند؟! مگر کارگران کارخانه‌ها که به عدم پرداخت حقوق عقب‌افتاده‌شان و یا به بسته‌شدن کارخانه و اخراج‌های گروهی اعتراض می‌کنند و دستگیر و شکنجه می‌شوند، چیزی بیش از حق مسلم و پیش‌پا‌افتاده‌شان را طلب می‌کنند؟ و فعالان جنبش زنان چگونه می‌توانند چشم بر این واقعیات بینندند؟

کمپین "یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز" بنا بر اظهار سازمان‌دهندگان آن تا جمع‌آوری یک میلیون امضا و حداقلتر به مدت ۲ سال ادامه خواهد داشت. باید دید این کمپین تا چه میزان قادر خواهد بود اهداف اعلام شده‌اش را عملی کند. تا آن‌جا که سخن از تغییر قوانین به زنان است، هر تغییری ولو کوچک، که قادر باشد اندکی از درد و رنج زندگی روزمره زنان بکاهد، مثبت است. مسئله اصلی اما این است که اولین شرط برابری حقوقی زنان و مردان نفی دولت مذهبی و برقراری حکومتی است که از شر دین و تمام آیت‌الله‌های "خوب" و "بد" رها شده باشد و همه افراد جامعه را-لاقل از نظر حقوقی- یکسان بشمارد. اما آن‌جا که به نقش فعالان سکولار این کمپین بازمی‌گردد، می‌توان گفت که محدود ماندن در چهارچوب این کمپین، آن‌ها را از منابع اصلی انرژی و قدرت‌شان، از سایر جنبش‌های اجتماعی که از قضا واجد بیشترین شرایط برای همگرائی با جنبش زنان هستند محروم می‌دارد. جنبش کارگری و جنبش دانشجویی مناسب‌ترین جنبش‌های همگرایی با جنبش زنان هستند و از قضا مدت‌هاست که مرحله جمع‌آوری طومار و امضا، و توهم به اصلاح حکومت را پیش‌گذاشته‌اند. همگرائی با این جنبش‌ها می‌تواند اعتماد به نفس بیشتری به فعالان جنبش زنان بدهد، و همراهی با این جنبش‌ها چشم‌انداز روشن‌تری را پیش‌روی فعالان جنبش زنان خواهد گشود.

زیر نویس ها:

۱ - بیانیه "یک میلیون امضاء" برای تغییر قوانین تعییض آمیز- سایت تغییر برای برابری

۲ - کلیات طرح "یک میلیون امضاء برای تغییر قوانین تعییض آمیز" - سایت تغییر برای برابری

۳ - این بند به شکل زیر فرموله شده است:

"خواسته های این طرح ضدیتی با اسلام ندارد"

تضایی بازنگری در قوانین تعییض آمیز نه تنها درخواستی غیرمشروع و مخالف اسلام نیست بلکه با تعهدات بین المللی دولت ایران نیز مخواهی دارد چون ایران به میثاق بین المللی حقوق مدنی-سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی-اجتماعی پیوسته و اولین گام در این کنوانسیون ها منع هرگونه تعییض است، بنابراین تعییض باید از بین بروд چون منطبق با تعهدات بین المللی دولت ایران است.

از سوی دیگر این درخواست هیچ گونه ضدیتی با مبانی اسلام ندارد زیرا جزو اصول دین به شمار نمی آیند. تغییر قوانینی که در این کمپین مورد درخواست است محل اختلاف بین مجتهدين و علمای دین است و سیاری از فقهها از جمله آیت الله صانعی با آیت الله جنوری و شمار دیگری از مجتهدين سال هاست که بازنگری در قوانین تعییض آمیز علیه زنان را مورد تایید قرار داده اند و تغییر آن ها را مغایر با اسلام ندانسته اند.

در هر حال طرح جمع آوری "یک میلیون امضاء برای تغییر قوانین تعییض آمیز" قبل از هر چیز به مسئولان و به افکار عمومی جامعه نشان خواهد داد که سیاری از زنان و مردان آزاداندیش در ایران خواستار تغییر و بازنگری در قوانین تعییض آمیز و زن ستیز موجود هستند و این خواست تغییر قوانین، تنها خواست یک گروه کوچک از زنان ایرانی نیست. هم چنین طرح و درخواست گسترده برای تغییر و بازنگری در قوانین تعییض آمیز و جمع آوری این امضاءها به قانونگذاران ثابت خواهد کرد که زنان ایران در مورد درخواست خود جدی و استوار هستند."

۴ - در جزو حقوقی کمپین با عنوان "تأثیر قوانین بر زندگی زنان" زیر عنوان دیگر قوانین تعییض آمیز مساله حجاب اجباری به این شکل فرموله شده است: "پوشش اجباری برای کل زنان ایرانی بدون توجه به مذهب و اعتقادشان وجود دارد. به عنوان مثال زنان مسیحی که مذهب شان آن ها را به داشتن حجاب مقید نمی کند در صورت نداشتن حجاب مجازات می شوند و در صورتی که بنا به سلیقه می مسئولان لباس نپوشند می توانند به حبس یا پرداخت پول محکوم شوند".

۵ - گفتگوی دویچه وله با فرناز سیفی- پنج شنبه ۲۱ دسامبر ۲۰۰۶

فرناز سیفی از فعالان کمپین در پاسخ به سوال خبرنگار که می پرسد "آیا کمپین توانسته خانم های جنوب شهر یا قشراهای محروم و پایین رانه صرفاً به عنوان امضاء کنند، بلکه به عنوان فعل جذب کند؟ سوال به این خاطر است که در عکس های نشست اخیر تنها تیپ های برگزیده و خاص دیده می شوند ... " پاسخ داد: "من از تجربه های خودم و بچه های می توانم مثال بیاورم . برخلاف تصور او لیه، زنان مذهبی استقبال خیلی خوبی از کمپین کرده اند و از جلسات خانم های مذهبی خلیلی امضاء جمع شده است. برای خود من هم بحث اتفاقی و امضاء گرفتن از خانم های خیلی معتقد و مذهبی و متعلق به قشر های پایین تر جامعه خیلی ساده تر از کسانی بوده که در قشر الیت هستند. مثلاً خانم های قشر بالا یا الیت خیلی پرس و جو می کنند که چه کسی پشت این کمپین است؟ از کجا حمایت می شود؟ از کجا پول می گیرد و سوال هایی شبیه این می کنند. اما تجربه شخصی خود من و سایر فعالان که کوچه به کوچه به مردم مراجعه می کنند، اینست که استقبال از کمپین بین خانم های مذهبی و قشر پایین بیشتر بوده اما جذب آن ها و این که به عنوان داوطلب با ما کار کنند، انرژی بیشتری می برد و هنوز اینها حضور چشمگیری ندارند. ما امیدواریم در آینده چنین شود".